

یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل

• محمد رسول دریاگشت

است. در حالی که چند نفر از بازماندگان نهضت جنگل مانند ابراهیم فخرایی، محمدعلی گیلک، اسماعیل خان جنگلی، صادق کوچک پور و دیگران که در نهضت جنگل بوده و این دوران را درک کرده بودند و از مسائل و افراد جنگل آشنایی و آگاهی کامل داشتند، او را به صورت دیگری معرفی کرده‌اند که در خلال این مطالب به آن‌ها نیز اشاره خواهیم کرد.

در این یادداشت‌ها حاج احمد کسمایی ابتدا از کودکی و جوانی خود می‌گوید. از زراعت توتون و پرورش کرم ابریشم، بعد پارچه فروشی در کسما، سپس به رشت می‌آید و در کاروانسرای طاقی رشت تجارتخانه‌ای ایجاد می‌کند، پس آن‌گاه به مکه می‌رود. وقتی که از سفر حج برگشت یک کارخانه پنبه در کسما (شهر کوچکی در اطراف فومن و صومعه سرا) دایر می‌کند. در حوالی سال ۱۳۲۲ هجری قمری که برابر با سال ۱۲۸۳ شمسی است، خود را موفق‌ترین تاجرو کشاورز گیلان معرفی می‌کند. در عین حال که فتودال و سرمایه‌دار بود، از فقر مردم و زورگویی حکام محلی صحبت می‌کند و خود را فردی انقلابی و مدافع حقوق مردم می‌داند، همچنین به چند خیزش منطقه‌ای که در آن‌ها مشارکت داشته اشاراتی دارد.

اولین واقعه در سال ۱۳۲۳ هجری روی می‌دهد، زمانی که مظفرالدین شاه قصد سفر به اروپا را داشت. حاج احمد به فکر افتاد که هنگام عبور پادشاه از گیلان مانع سفرش شود. به اتفاق چند تاجر به تهران می‌رود و با کمیته سری که مرکز آن در تهران بود آشنا می‌شود و به تشکیلات این کمیته راه پیدا می‌کند. تحت تأثیر سخنان بزرگان این کمیته، فکر ایجاد انقلاب ملی در ذهن او رسوخ می‌کند و به آن کمیته می‌پیوندد. کمیته او را مأمور و مسئول تشکیلات کمیته سری در گیلان می‌کند. وی با انگیزه حرکتی انقلابی حدود ده هزار نفر از اهالی کسما را با خود همراه کرده به رشت می‌آورد. این اقدام او همزمان با نهضت مشروطه خواهی اهالی گیلان بوده است. داستان دیگر موضوع کشته شدن آقابالاخان حاکم رشت و پی‌آمدهای آن بود که در عهد محمدعلی شاه و در سال ۱۳۲۶ ق. / ۱۲۸۷ ش. روی داد و در یادداشت‌ها شرح داده شده است. هم‌چنین تشکیل کمیته ستاد در رشت با همکاری میرزا کریم خان رشتی، عبدالحسین خان معزالسلطان (سردار محیی)، میرزا حسین خان



■ یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل
 ■ گردآوری، تصحیح و تحشیه: منوچهر هدایتی
 ■ ناشر: رشت، نشر کتیبه گیل، ۱۳۸۳

کتاب مجموعه یادداشت‌هایی است از احمد کسمایی درباره نهضت جنگل و وقایع مربوط به آن که دختر او، خانم پوراندخت کسمایی آن را در سال ۱۹۹۳ در آمریکا منتشر کرده بود. آقای منوچهر هدایتی تصحیح و ویراستاری این یادداشت‌ها را بر عهده گرفته و با اضافه نمودن یک پیشگفتار مفصل آن را در رشت چاپ و منتشر نموده است. البته نباید تصور کرد که این یادداشت‌های پراکنده مکمل تاریخ جنگل باشد یا تاریخچه کاملی از دوران هفت ساله نهضت جنگل را در خود نهفته باشد، بلکه مطالبی است گزینشی و متفرق از وقایع جنگل که مرحوم حاج احمد کسمایی از سال ۱۳۲۴ در فاصله‌هایی تقریر کرده و دخترش آن را تحریر کرده است؛ روزهایی که کسمایی حال و روز خوبی نداشته و در تهران در جای کوچکی اقامت داشته است، حدود ۱۲۰ صفحه از کتاب را در برمی‌گیرد. هر کس این یادداشت‌ها را بخواند و از سرگذشت نهضت جنگل اطلاع کافی نداشته باشد، این پندار در او ایجاد خواهد شد که حاج احمد کسمایی همان بوده که مصحح این یادداشت‌ها نوشته و معرفی کرده

کسمایی، علی محمد خان تربیت و دیگران.

واقعه سوم تشکیل یک هسته مرکزی و ایجاد یک جمعیت سری جدید و اقدامات مسلحانه است که طی آن به قول خودش سرمایه و اندوخته‌های خود را در میان می‌گذارد.

سپس از ورود میرزا کوچک خان جنگلی به رشت صحبت می‌کند و نحوه آشنایی با او را می‌گوید. حاج احمد کسمایی در این جا از وجود هیأت اتحاد اسلام در رشت عقایدی را ابراز می‌کند که با آن چه از سابقه این هیأت می‌دانیم تعارض دارد. بعد خویشان و کسان میرزا کوچک خان را معرفی می‌کند و نسبت به میرزا اسماعیل خان خواهرزاده میرزا عقایدی ابراز می‌دارد که همراه با شک و تردید است، که این مقوله هم جای بحث دارد و با آن چه از میرزا اسماعیل خان جنگلی می‌دانیم، البته تفاوت دارد.

به دنبال آن از چگونگی ورود احسان الله خان سخن می‌گوید و به این نکته اشاره می‌کند که او عضو کمیته مجازات بود و در سال ۱۲۹۷ شمسی به نهضت جنگل پیوست. سپس موضوع تأمین پول برای جنگلی‌ها را می‌گوید؛ از ورود افراد مشکوک میان جنگلی‌ها سخن می‌گوید که او آنان را خائن می‌نامد؛ سپس از انتشار روزنامه جنگل می‌نویسد.

از دکتر حشمت و ورود او به نهضت صحبت می‌کند و اتهامی به او می‌بندد که با آن چه از این مرد گرمی جنگل می‌دانیم تعارض دارد. آنگاه از اعدامش در تاریخ یازدهم شعبان ۱۳۲۷ / بیستم اردیبهشت ۱۲۹۸ سخن می‌گوید سپس در این قسمت مطالبی از خود می‌گوید که کامل نیست و از وقوع بعضی حوادث و ورود حیدر خان عمو و علی و دستگیری خود سخنانی به میان می‌آورد، بدون این که به اصل قضیه اشاره‌ای کرده باشد. او از چگونگی تسلیم شدن خود چیزی نمی‌گوید (در این رابطه سندی به همراه این مقاله چاپ شده است). از واقعه ملاسرا، فرار به تهران پس از زندانی شدن و عاقبت کار میرزا کوچک خان الی آخر...

آقای منوچهر هدایتی با اشتیاق و علاقه‌مندی تمام در استدراکات خود و تعلیقاتی که نوشته، هر کجا لازم دانسته توضیح مفصلی داده و از روزنامه جنگل و منابع دیگر شاهد آورده است.

اینک به جهت روشن شدن بعضی وقایع که حاج احمد کسمایی در این یادداشت‌ها گفته، به نکاتی اشاره می‌شود که تاریخ نویسان اصلی واقعه جنگل که نامشان قبلاً ذکر شد در آن اتفاق نظر دارند.

● حاج احمد کسمایی با توجه به تمکن مالی اش که کلاً اداره امور مالی و خزانه‌داری نهضت جنگل با او بود، طبعاً قدرتمدار هم بود. بنابراین اگر بعضی او را مؤسس انقلاب جنگل معرفی می‌کنند، هم چنان که روی سنگ قبر او نوشته شده، همه آگاهان به تاریخ نهضت جنگل می‌دانند که این نظریه صحیح نیست. زعامت و رهبری نهضت جنگل با میرزا کوچک خان بود، اما همراهی و مشارکت مؤثر حاج احمد کسمایی تا آن زمان که در خدمت نهضت بود نباید نادیده گرفته شود.

● موجبات بروز اختلاف بین حاج احمد کسمایی و میرزا کوچک خان که همواره وجود داشت و چگونگی تسلیم شدن او در

همه اسنادی که بدان‌ها مراجعه شد و تماماً مرجع و مستند است به طور یکسان شرح داده شده و این جا به آن اشاره‌ای نمی‌کنیم. موردی هم وجود دارد که در بعضی منابع به آن اشاره شده. علاوه بر درخواست وثوق الدوله نخست وزیر وقت از حاج احمد کسمایی به منظور تسلیم شدن، جلسه‌ای هم در هیأت اتحاد اسلام به طور محرمانه تشکیل شده بود، که پس از آن وی تصمیم به تسلیم شدن گرفت. از این جلسه و ماجرای که در آن روی داد ما به کلی بی اطلاع هستیم. اگر روزی این صورت جلسات و آن چه گذشت منتشر شود، خیلی از مسائل و وقایع ناگفته به روشنی آشکار خواهد شد.

موضوع تسلیم شدن حاج احمد کسمایی، سپس زندانی شدن او و شکنجه‌های وی در زندان، بعد فرار دادن او توسط روس‌ها و خارج کردن او به تهران و سپس به باکو، از جمله مطالبی است که همه جا یکسان شرح داده شده (بین صفحات ۲۰۴ تا ۲۲۵ و ۴۳۸ تا ۴۶۰ کتاب تاریخ جنگل، تألیف محمد علی گیلک) و سایر کتاب‌هایی که به آن‌ها اشاره شده است.

● اقامت چندساله حاج احمد کسمایی در باکو و حبس او در آن جا و کارهایی که از وی در آن دیار سرزده و بعد آمدن وی به ایران از جمله مسائلی است که به روشنی معلوم و آشکار نیست. رشید الممالک برادر امیر عشایر خلخال که از رؤسای ایل شاهسون بود و همواره با میرزا کوچک خان جنگلی و اصلاً نهضت جنگل عداوت داشته و از آستارا به روسیه فرار کرده بود، در یادکوبه با حاج احمد کسمایی هم‌دست و هم‌آواز شده، به فکر انقلاب جدیدی در گیلان افتادند و تحرکاتی نشان دادند. احسان الله خان هم در این اقدامات با او همکاری داشت. در این رابطه به گزارش سفارت انگلیس که در یک مجموعه چاپ شده، مراجعه نمایید.^۱

وقایع هفته پیش از هفتم ژانویه ۱۹۲۲ م [مرداد ماه ۱۳۰۱ ش] در رشت شایع شده که حاج احمد کسمایی و احسان الله خان یعنی دو تن از پاران میرزا کوچک خان در باکو مشغول فعالیت هستند. احسان الله خان اخیراً از مسکو دیدن کرده است. مردم رشت می‌گویند آنان مشغول جمع‌آوری افراد جهت اعزام به سواحل ایران هستند و...

پی‌نوشت‌ها:

۱ - جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلیس، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۷. برخی دیگر از منابع مهم جنبش جنگل نیز عبارت‌اند از:

● ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، چاپ پنجم، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۴.

● قیام جنگل (یادداشت‌های اسماعیل جنگلی)، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷.

● محمد علی گیلک، تاریخ انقلاب جنگل، رشت: نشر گیلکان: ۱۳۷۱.

نباید تصور کرد که

یادداشت‌های پراکنده

احمد کسمایی مکمل

تاریخ جنگل باشد یا

تاریخچه کاملی از دوران

هفت‌ساله نهضت جنگل،

بلکه مطالبی است

گزینشی و متفرق از

وقایع جنگل که مرحوم

حاج احمد کسمایی از سال

۱۳۲۴ در فاصله‌هایی

تقریر کرده و دخترش آن را

تحریر کرده است

زعامت و رهبری نهضت

جنگل با میرزا کوچک خان

بود، اما همراهی و

مشارکت مؤثر حاج احمد

کسمایی تا آن زمان که در

خدمت نهضت بود نباید

نادیده گرفته شود